حاج‌علی کرمی پیشکسوت پاسدار از نحوه تشکیل سپاه کرج و حضور در عرصه‌های دفاع‌مقدس می‌گوید

ورود به سپاه دروازه‌ای برای شهادت بود

■ آرمان شریف

تنها دو ماه و چند روز از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که حضرت امام در دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ طی فرمانی به شورای انقلاب اسلامی رسماً تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را اعلام کرد و شورای انقلاب با تأسیس شورای فرماندهی سپاه، گامی اساسی را در جهت سازماندهی این نهاد انقلابی برداشت. با شروع غائله کردستان و جنگ تحمیلی سپاه پاسداران به خوبی نشان داد چه نقش تأثیرگذاری در حفظ امنیت و ثبات کشور دارد. حالا پس از گذشت ۳۵ سال از تأسیس سپاه پاسداران این نهاد انقلابی پرقدرت و با صلابت آرامش کشور را تضمین می‌کند. به مناسبت سالروز تشکیل سپاه با «علی کرمی» از ورودی‌های سال ۵۸ به این نهاد انقلابی گفت‌وگویی را انجام داده‌ایم و در این مجال گذری بر نحوه تأسیس سپاه کرج و پاسداران نام‌آور این خطه همانند شهیدان کلهر، شرع پسند و... داشته‌ایم.

از چه سالی فعالیت خود را به عنوان یک سپاهی آغاز کردید؟

در آبان ۱۳۵۸ قبل از اینکه خدمت سربازی‌ام تمام شود در سپاه ثبت‌نام کردم. بعد از آن مصاحبه‌ای را برای ورود دادم و مورد پذیرش قرار گرفتم. ابتدا یک دوره آموزشی را گذراندم و بعد یک آموزش پنج روزه در کرج و یک آموزش ۲۰ روزه در تهران در پادگان امام حسین(ع) دیدم. بیشتر بچه‌هایی که آن زمان با من همدوره بودند شهید شدند. حدود ۴۰، ۵۰ نفر بودیم که از کرج، شهریار و ساوجبلاغ برای آموزش پذیرش شدند. شهیدان جعفر محمدی و خداوردیلو نمونه‌ای از همدوره‌ای‌های ما بودند که به شهادت رسیدند.

سپاه کرج در آن سال‌ها سازماندهی و نظم خود را پیدا کرده بود؟

شهریور سال ۵۸ سپاه کرج در پادگان عظیمیه و شهید بهشتی فعلی افتتاح شد. آنجا مقر کمیته بود که وقتی سپاه به کرج آمد آنجا مستقر شد. ستاد فرماندهی سپاه آنجا بود. بنیانگذاران سپاه شهید مهدی شرع پسند که در عملیات والفجر ۵ در چنگوله به شهادت رسید و شهید احسانی نژاد و حاج‌حسین میررضی و حاج‌آقا فیض و دلیلی بودند. پاسداری به نام نوری که از بچه‌های همدان و از جانبازان کردستان بود فرمانده سپاه شد. بعد از او آقای رضایی آمد و در شش ماهه اول دو فرمانده سپاه عوض شد. بعد از آقای رضایی، سردار ناصح آمد که فرماندهی سپاه کرج را به مدت یک سال و اندی به عهده گرفت. در آن زمان حال و هوای سپاه شرایط خاص و متفاوتی داشت. آن زمان سپاه وجهه خاصی داشت و بچه‌ها با نیت خاصی وارد سپاه می‌شدند. کسانی که در سپاه فعالیت می‌کردند، می‌آمدند تا بدون هیچ چشمداشتی خالصانه و مخلصانه به مردم، انقلاب و امام خدمت کنند. بیشتر بچه‌ها با این نیت وارد سپاه می‌شدند و مزد آن را هم با شهادتشان از خدا گرفتند. تنها عده کمی از بچه‌های قدیمی ماندند.

انگیزه شخصی شما برای ورود به سپاه در سال‌های اولیه تشکیل آن چه بود؟

بیشتر پاسداران به انگیزه و نیت خدمت و شهادت می‌آمدند. خیلی از بچه‌ها می‌گفتند عمر ما بیشتر از شش ماه طول نخواهد کشید. فضای خیلی معنوی بر سپاه حاکم بود. خصوصاً حضور افرادی مثل مهدی شرع‌پسند، حاج‌حسین میررضی و حاج‌حسن احسانی‌نژاد و شهید کلهر که آوازه‌ای کشوری داشتند در جذب نیرو در سپاه و تقویت روحیه پاسداران خیلی مؤثر بود. تعدادی از پاسداران برای دیگران از نظر اخلاقی، نظامی و خط مشی سیاسی و ولایت‌پذیری الگو بودند. چون سپاه به شهادت نزدیک بود بسیاری خدمت در سپاه را انتخاب می‌کردند تا به نیتی که دارند دست پیدا کنند.

قبل از شروع رسمی جنگ غائله کردستان رخ داد، نگاه شما به این حوادث چه بود؟

بله، خبری از تهاجم نظامی عراق نبود ولی در کردستان جنگ بود. بچه‌ها به عشق خدمت در کردستان وارد سپاه می‌شدند و اولین گروهی که از کرج برای حفظ امنیت عازم کردستان به ویژه سنندج شد گروهی از پاسداران با حضور شهید شرع‌پسند و کلهر بود. عشق به شهادت، بچه‌ها را به سپاه می‌کشاند و یکی از ویژگی‌های پاسداران عشق به شهادت بود.

در دوران دفاع‌مقدس در کدام مناطق

تابستان سال ۶۰، منطقه عملیاتی گیلانغرب، از چپ به راست: شهید سید محمد اینانلو، گنجعلی فلاحت و حاج‌علی کرمی

بچه‌های بسیج و سپاه نگذاشتند حرف امام روی زمین بماند در حالی که بعضی مسئولان متوجه حرف امام در خصوص جنگ نشدند. بچه‌های سپاه و بسیج دین خود را نسبت به امام، شهدا و انقلاب ادا کردند و مسئولانی که باید پا به پای مردم و رزمندگان می‌آمدند در پایان جنگ کم آوردند و نتوانستند همراه امام باشند و جام زهر را به حضرت امام نوشاندند

مشغول نبرد بودید؟ چه چهره‌های درخشانی از بچه‌های پاسدار روی شما تأثیر گذاشته بودند؟

ابتدا این را بگویم که ما دومین گروهی بودیم که به کردستان با فرماندهی شهید کلهر در شهریور ۵۹ اعزام این خطه شدیم و مقطعی آنجا بودیم. جنگ که شروع شد به سمت گیلانغرب با فرماندهی شهید شرع‌پسند، اولین گروهی بود که به این منطقه اعزام می‌شد. در پایان جنگ تا عملیات مرصاد توفیق حضور در جبهه و منطقه را داشتم و لیاقت شهادت را نداشتیم. اما در خصوص چهره‌ها باید بگویم شهید شرع‌پسند یکی از اسوه‌های اخلاق دفاع‌مقدس و مردم کرج بود که با او در جبهه بودم. همچنین سردار شهید حاج‌یدالله کلهر که یکی از فرماندهان لشکر سیدالشهدا بود که با شرایط جسمانی نامساعد به جبهه آمد و در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. حاج‌علی سوری یکی دیگر از رزمندگان و قدیمی‌های سپاه کرج بود که مجروحیت سختی را در قصرشیرین داشت. هنگام شلیک توپ ۱۰۶ یکی از بچه‌ها متوجه او نمی‌شود و آتش عقبه ۱۰۶ از پشت سر تا پشت پایش را کامل می‌سوزاند. ایشان مدت زیادی را در بیمارستان بستری بود و زجر زیادی کشید و خدا این جانبازی را از او قبول کند.

جلوه سپاه در بین مردم در سال‌های ابتدایی تشکیل آن چگونه بود؟

مردم سپاه را می‌پرستیدند و یک نگاه مقدس داشتند. خاطرم هست یک روز با لباس سپاه برای خواندن دعای کمیل به دانشگاه تهران رفتیم. در حال برگشت تعدادی از مردم کنار نرده‌ها نشسته بودند و وقتی از کنارشان رد شدیم یکی از جوانان بلند شد و با ما روبوسی کرد. بعد روی آرم سپاه دست کشید و آن را بوسید. آنجا ما خیلی خجالت کشیدیم و فهمیدیم چقدر مدیون مردم هستیم.

به نظرتان سپاه توانسته وظیفه‌اش را از آغاز تا امروز به خوبی انجام دهد؟

به شکر خدا سپاه تا آنجایی که در توانش بوده وظایفی که مردم، انقلاب و رهبری بر دوشش گذاشته بودند را به نحو احسن انجام می‌دهد. هنوز همان رگ و ریشه‌های قبل در سپاه وجود دارد و نیروهای قدیمی که بازنشسته شده‌اند چشم و دلشان به پاسداران جوان است تا راه شهدا را با داشتن روحیه فداکاری و ایثار ادامه دهند.

نقش سپاه در طول ۸ سال جنگ تحمیلی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ادای تکلیف خیلی برای سپاه مهم بود. بچه‌های بسیج و سپاه نگذاشتند حرف امام روی زمین بماند در حالی که بعضی مسئولان متوجه حرف امام در خصوص جنگ نشدند. بچه‌های سپاه و بسیج دین خود را نسبت به امام، شهدا و انقلاب ادا کردند و مسئولانی که باید پا به پای مردم و رزمندگان می‌آمدند در پایان جنگ کم آوردند و نتوانستند همراه امام باشند و جام زهر را به حضرت امام نوشاندند.

ارزیابی خودتان از فعالیت‌های سپاه در سال‌های بعد از جنگ چیست؟

بعد از جنگ در لشکر ۱۰ سیدالشهدا بودیم و تا آنجا که در توانمان بود فرهنگ دفاع‌مقدس و راه و روش شهدا را به جوانان و پاسداران تازه وارد انتقال دادیم. اگر سپاه فرهنگ دفاع‌مقدس را در جامعه اشاعه دهد خیلی از مشکلات مملکت حل خواهد شد. اگر تفکر نابی که در دوران دفاع‌مقدس حاکم بود اجرایی شود بسیاری از معضلات و مشکلات حل خواهد شد. اشکال امروز ما این است که از فرهنگ دفاع‌مقدس فاصله گرفته‌ایم. بحث‌های فرهنگی از مأموریت‌های مهم سپاه است و باید همان تفکری را که زمان جنگ در عملیات‌ها وجود داشت الان کاربردی کنیم تا بسیاری از مشکلات را حل کنیم.

بیشتر پاسداران به انگیزه و نیت خدمت و شهادت می‌آمدند. خیلی از بچه‌ها می‌گفتند عمر ما بیشتر از شش ماه طول نخواهد کشید. فضای خیلی معنوی بر سپاه حاکم بود. خصوصاً حضور افرادی مثل مهدی شرع پسند، حاج‌حسین میررضی و حاج‌حسن احسانی‌نژاد و شهید کلهر که آوازه‌ای کشوری داشتند در جذب نیرو در سپاه و تقویت روحیه پاسداران خیلی مؤثر بود

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۲۲۶

گفت‌وگو

روایت «جوان» از سردار سیدعلی‌اکبر مصطفوی از پیشکسوتان سپاه

نیروی گارد شاهنشاهی پاسدار خمینی شد

■ صغری خیل‌فرهنگ

نام سرتیب آزاده و جانباز سیدعلی‌اکبر مصطفوی برای پاسداران نسل اول شناخته شده است. هم او که در کاخ نیاوران و در میان نیروهای گارد سرود «خمینی ای امام» را سر داد و با شکل‌گیری جریان انقلاب به سرعت به انقلابیون پیوست. مصطفوی از آن دست ارتشیانی بود که بعد از پیروزی انقلاب احساس نیاز کرد تا با عزمی راسخ به آموزش نیروهای سپاه بپردازد و از همین رو خود نیز به جمع سبزپوشان پاسدار پیوست. البته آشنایی وی با شهید محمد منتظری از مؤسسان سپاه نیز در این امر بی‌تأثیر نبود.

سیدعلی‌اکبر که با شهید صیاد شیرازی و سردار رحیم صفوی سابقه دوستی و همرزمی دارد، به دلیل مهارت‌هایش در تیراندازی و دقت در شلیک با سلاح‌های سنگین به کردستان رفت و ضربات بسیاری به ضدانقلاب در این خطه از کشورمان وارد کرد. با این پاسدار پیشکسوت که متولد ۱۳۲۳ است و در دومین روز از مهر ماه سال ۱۳۵۹ به اسارت دشمن درآمد به مناسبت دوم اردیبهشت روز تأسیس سپاه گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که متن زیر برگرفته از خاطرات او تقدیم حضورتان می‌شود.

فرار از ارتش شاهنشاهی

با توجه به فعالیت‌های ضدرژیمی که داشتم، برخی از مافوق‌هایم در ارتش از این موضوع مطلع شدند و همین مسئله باعث فرارم از ارتش شد. از آنجا که قبلاً با محمد منتظری آشنا بودم و ایشان از افرادی بود که امام آنها را به خوبی می‌شناختند، بیشتر با تفکرات انقلابی آشنا شدم و پنهانی و آشکارا با انقلابیون همکاری می‌کردم. بعد از پیروزی انقلاب اولین حکم خود را در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ یعنی پنج روز پس از پیروزی انقلاب، از دستان شهید محمد منتظری گرفتم و از همان جا بود که به عنوان مأمور محافظ اقامتگاه امام خمینی(ره) مشغول فعالیت شدم.

قبل از اینکه سپاه به شکل رسمی تشکیل شود، ۶۰ نفر از برادران ارتشی را به شهید منتظری معرفی کردم. آنها از ارتش مأمور به آموزش نیروهای انقلابی داوطلب شدند و در یک پایگاه که در خیابان ستارخان تشکیل دادیم اقدام به آموزش داوطلبان کردیم.

البته این را هم بگویم که قبل از تشکیل رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از همان بدو پیروزی انقلاب گروه‌های نظامی مخالف رژیم شاه هر کدام اقدام به جمع‌آوری نیروها و آموزش آنها می‌کردند که در دوم اردیبهشت ۵۸ با اجماع برخی از این گروه‌ها سپاه تشکیل شد. به هر حال من در پایگاه خیابان ستارخان مسئول آموزش نیروها بودم. مسئولیت امور اداری با شهید کلاهدوز بود و آقای ابوشریف هم از دیگر مسئولان بودند، اما حرف اول را شهید منتظری می‌زد. کمی بعد نیز به خاطر کمبود فضا، به پادگان ولیعصر رفتیم که گنجایش آموزش یک گردان نیرو را هم داشت.

اعزام به کردستان

از همان بدو تشکیل سپاه، بچه‌های پاسدار به خوبی مأموریت حفاظت از انقلاب و دستاوردهایش را انجام می‌دادند. به همین خاطر وقتی که غائله کردستان شروع شد، خیلی از بچه‌های پاسدار داوطلبانه به آنجا می‌رفتند. ما نیز ابتدا به شهر مریوان رفتیم. بعد قضیه پاوه پیش آمد و عازم این شهر شدیم، در این زمان فرمان تاریخی امام(ره) برای آزادسازی پاوه منتشر شد و من که در روانسر بودم به یاری گروهی از ارتشیانی که با سلاح‌های سنگین خود برای یاری به آزادسازی پاوه اعزام شده بودند ستونی تشکیل دادیم و با اجرای دقیق آتش توپ و خمپاره و تیربارهای سنگین، دشمن را متواری کرده و به یاری تیزپروازان هوانیروز که ستون را پشتیبانی می‌کردند پاوه را آزاد ساختیم. ۵۸/۵/۲۶ پاوه آزاد شد و این عملیات بی‌وقفه ادامه یافت تا اینکه در آبان سال ۵۸ غائله کردستان و قسمتی از غرب کشور خاتمه یافت و پایگاه‌های ضدانقلاب در اختیار و کنترل رزمندگان اسلام قرار گرفت.

سردار علی‌اکبر مصطفوی در کنار همرزمش شهید چمران

با شروع جنگ تحمیلی هم به جبهه رفتم. اما تنها دو یا سه روز پس از آغاز جنگ در تاریخ ۲ مهر ماه ۱۳۵۹ با نفاق برخی از ضدانقلابیونی که آن زمان در جمع نیروهای انقلابی رخنه کرده بودند به اسارت دشمن درآمدم و در بیست و ششمین روز از سال ۱۳۶۹ بعد از تحمل ۱۰ سال اسارت به میهن اسلامی بازگشتم

بعد از پاوه به سمت سنندج رفتیم از فرودگاه یعنی جایی که پاسداران مستقر بودند تا خود شهر پنج کیلومتر فاصله بود. اولین کسی که به استقبال ما آمد برادر رحیم صفوی بود که به عنوان مسئول نیروهای اعزامی از سپاه اصفهان بودند و بنده نیز به عنوان مسئول هماهنگ‌کننده نیروهای سپاه و ارتش به یکدیگر معرفی شدیم. این نخستین دیدار و آشنایی ما بود. بعد از آزادی سنندج به بازسازی محور سقز به بانه و شکستن محاصره پادگان بانه، بوکان، مهاباد و سردشت و... پرداختیم.

اسارت و آزادی

با شروع جنگ تحمیلی هم به جبهه رفتم. اما تنها دو یا سه روز پس از آغاز جنگ در تاریخ ۲ مهر ماه ۱۳۵۹ با نفاق برخی از ضدانقلابیونی که آن زمان در جمع نیروهای انقلابی رخنه کرده بودند به اسارت دشمن درآمدم و در بیست و ششمین روز از سال ۱۳۶۹ بعد از تحمل ۱۰ سال اسارت به میهن اسلامی بازگشتم. از جمع ۶۰ نفری که همراه بنده به سپاه پیوستیم ۱۰ نفرمان شهید، تعدادی مجروح و تعدادی هم اسیر شدیم. اما به شخصه خوشحالم که برای پیشبرد مکتبی‌ترین نیروی نظامی جهان یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قدمی ولو کوچک برداشته‌ام.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

							۲	
۷					۲	۶		
	۴	۶		۸	۳	۱		
	۷	۵		۱				
		۱	۹	۷	۸	۲		
				۳		۴	۱	
		۷	۴	۲		۸	۳	
		۴	۸					۵
	۶							

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۴۲۲۵

۱	۷	ک	۸	۳	۵	۶	۸	۵	۴	۴	۵	۸	۴	۴
۲	۱	۴	۷	۶	۸	۱	۸	۴	۵	■	۵	۴	۵	۸
۳	۸	۶	۴	۷	۱	۸	۵	۴	■	۵	۴	۵	۸	۴
۴	۶	۸	۱	۴	۷	۸	۴	■	۵	۴	۵	۸	۴	۵
۵	۸	۱	۵	۸	۴	■	۵	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴
۶	۴	۸	۴	۵	■	۵	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵
۷	۵	۴	۵	■	۵	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸
۸	۴	۵	■	۵	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴
۹	۸	■	۵	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵
۱۰	■	۵	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸
۱۱	۵	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴
۱۲	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵
۱۳	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸
۱۴	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴
۱۵	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵	۸	۴	۵

از راست به چپ

■ ۱- ضریب انتفاع- رهبر جدید کاتولیک مذهبان ■ ۲- سمت راست- فاقد عیب، کمبود یا نارسایی- مشابه و یکسان ■ ۳- استان مرزی- سلول‌های بافت عصبی- بسنده و دارای اندازه مناسب ■ ۴- ته‌نشین مایعات- چاشنی اشتهاآور- مدال و نشان- درخت قالی‌بافی ■ ۵- ام‌الخبائث- به معنی پمپ هم است- مقابل آستر ■ ۶- نتیجه کارت زرد- اثری از شکسپیر- زهر ■ ۷- صحیح و سالم- از ایالت‌های امریکا- پایتخت زمستانی هخامنشیان ■ ۸- جذب در اصطلاح فیزیک- ضمیر اشاره به نزدیک- از آهنگ‌های موسیقی ایرانی ■ ۹- اسب چاپار- از کشورهای آفریقایی- جرقه آتش ■ ۱۰- خرس آسمانی- شن- فرسوده و کهنه ■ ۱۱- سرگشتگی و سرگردانی- صفرا- پوشش چهارپا ■ ۱۲- از وسایل ورزش باستانی- نوعی آبگوشت ساده- دانه خوشبو- گندم سوده‌شده ■ ۱۳- راویان- کله‌پز- شاگرد و پادو ■ ۱۴- نقشه محل تصادف- آفریدگان- زیبا و خوشگل ■ ۱۵- مرغ ماهیخوار با نام دیگر حواصیل- متضاد گیرنده

از بالا به پایین
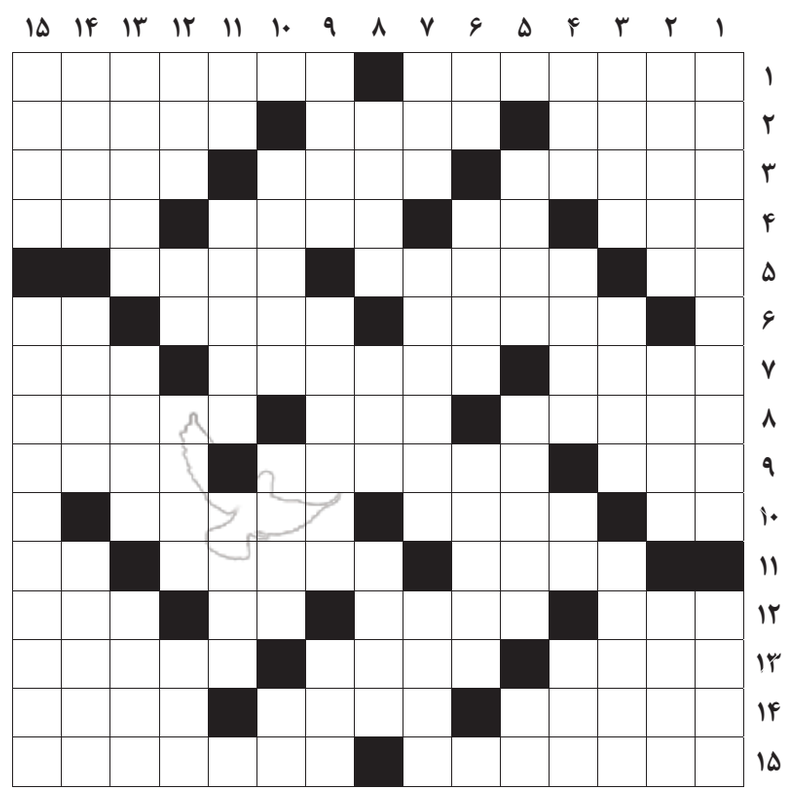
■ ۱- تیم کهکشانی لالیگا- از ملزومات خوشنویسی ■ ۲- خواسته‌ها- از آلات موسیقی قدیم- پول واحد اروپایی ■ ۳- رنگ کبود- ایالتی در هند- شیرینی ■ ۴- بام زاگرس- جهان پهلوان فقید کشور- علامت فعل استمراری- به صورت انفرادی ■ ۵- چیره- نوعی هواپیما- دریا ■ ۶- پسوند خوراک- ماهی فروش- حوضچه شنا ■ ۷- قوت لایموت- دستور کار- خوراک ضبط صوت ■ ۸- موضعی در شهر مکه- ماه تابستان- آسیب و ضرر ■ ۹- درختی تناور که در مناطق گرمسیری می‌روید- تیم فوتبالی در آلمان- سازمان آزادیبخش فلسطین ■ ۱۰- محله‌ای در تهران- تارمی چوبی یا فلزی- تلخ ■ ۱۱- حرف خطاب- نویسنده فرانسوی خسیس- دردمندی ■ ۱۲- خوب و خوش- هنوز انگلیسی- حرف پیروزی- فتنه- از بخش های اوستا ■ ۱۳- جانماز- آوازه- کند زبان ■ ۱۴- اتحادیه فوتبال اروپا- پایتخت فیجی- روزنامه‌ها ■ ۱۵ تاج و تخت- نخست وزیر ایران در عصر مشروطیت